



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

نویسنده: سجاد نخعی

بهار ۱۳۵۹:

مقطع زمینه سازی شروع جنگ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بهار ۱۳۵۹: مقطع زمينه سازي شروع جنگ

نويسنده:

سجاد نخعي

ناشر چاپي:

پاگاه تخصصي دفاع مقدس

ناشر ديجيتالي:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	بهار ۱۳۵۹: مقطع زمینه سازی شروع جنگ
۶	مشخصات کتاب
۶	اشاره
۶	مقدمه
۷	قطع روابط سیاسی ایران - آمریکا
۹	شکست اقدام نظامی آمریکا در طیس (عملیات نجات گروگان‌ها)
۱۱	تشدید تیرگی روابط ایران و عراق
۱۲	وقایع دیگر
۱۴	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بهار ۱۳۵۹: مقطع زمینه سازی شروع جنگ**مشخصات کتاب**

عنوان: بهار ۱۳۵۹؛ مقطع زمینه سازی شروع جنگ تحمیلی

نوع مقاله: عمومی

نویسنده: سجاد نخعی

ناشر: پایگاه تخصصی دفاع مقدس

موضوع: جنگ ایران و عراق

اشاره

تاریخ جنگ‌ها به شیوه‌های گوناگونی نوشته می‌شود. روزشمار وقایع، یک از شیوه‌های رایج در نوشتن تاریخ جنگ‌ها است. در این شیوه تلاش می‌شود رویدادها به ترتیب تاریخی روزانه، هفتگی، دوره‌ای به همان صورتی که اتفاق افتاده‌اند به رشته تحریر درآمده و بازنمایی شوند تا نسل‌ها بعدی با توجه به ترتیب وقوع رویدادها به بازخوانی آن‌ها بپردازند. مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ از سال‌های پایانی جنگ تحمیلی پروژه ارزشمند تدوین روز شمار جنگ ایران و عراق را آغاز کرده است و تلاش دارد رویدادها و تحولات آن را از ابعاد گوناگون مورد بررسی قرار داده و به شکل کتاب‌های روزشمار به خوانندگان ارائه دهد که علاقمندان به جزئیات بیشتر رویدادها، می‌توانند به مجلدات منتشر شده مراجعه کنند. در این فصلنامه سعی می‌شود رویدادهای مهم جنگ در قالب یک فصل مورد بررسی قرار گرفته و به تصویر کشیده شود. رویدادهای جنگ دارای ابعاد مختلفی بودند و تحولات در حوزه‌های گوناگون بر روی روند جنگ ایران و عراق تاثیر داشت. در این فصل شمار تلاش می‌شود رویدادهای تاثیرگذار در رویدادهای جنگ در ابعاد نظامی، سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در سطوح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مورد توجه قرار گرفته و به خوانندگان فصلنامه عرضه شود. این شیوه در کنار مطالب تحلیلی و اسنادی که در مجله به خوانندگان ارائه می‌شود، به دلیل ارائه مطالب بر اساس ترتیب زمانی وقوع رویدادها، می‌تواند سیر دقیق‌تری از شکلگیری تحولات جنگ را به خوانندگان عرضه دارد و به درک تاریخی آن‌ها از جنگ کمک شایانی کند.

مقدمه

بهار ۱۳۵۹، به خصوص ماه فروردین آن، از نظر تاریخی مقطع خاصی در شکل‌گیری آینده نظام جمهوری اسلامی و مهم‌ترین اتفاق تاریخی آن یعنی جنگ تحمیلی بود. در این دوره، ایران درگیر بحران‌ها و مشکلات عدیده داخلی و خارجی بود، حوادثی که بعضی به طور مستقیم و بعضی به صورت غیرمستقیم به زمینه‌سازی جنگ تحمیلی مربوط بودند و بر قدرت حکومتی، امنیت ملی و ثبات سیاسی نظام تازه تأسیس جمهوری اسلامی تأثیر مهمی داشتند.

به طور کلی در این دوره زمانی، نظام جمهوری اسلامی در وضعیتی دوگانه قرار داشت. از سویی با اتکا به

مشروعیت سیاسی بالای متأثر از پتانسیل انقلاب، نهادهای قانونی خود را تأسیس یا پایه‌ریزی می‌کرد (رفراندوم قانون اساسی، انتخابات ریاست جمهوری و مرحله اول انتخابات مجلس در سال ۱۳۵۸ برگزار شده است) و از سوی دیگر در حال طی کردن مرحله گذار بود و به مرحله استقرار قطعی و ثبات طبیعی و قانونی خویش نرسیده بود. جریان‌های سیاسی و اجتماعی [اعم از مخالفان و یا موافقان نظام جدید] کماکان به شیوه انقلابی فعالیت می‌کردند و در یک چرخه منظم قانونی و عقلانی قرار نگرفته بودند. برخی از تشکلهای سیاسی، مخالف حاکمیت بودند و به مطالبات سیاسی به شکل گسترده‌ای دامن می‌زدند در حالی که نظام قادر یا مجاز به جذب و پاسخ مساعد به آنها نبود. بنابراین مطالبات مزبور بلا تکلیف می‌ماند و عرصه سیاسی را دستخوش بحران می‌کنند. تشدید درگیری‌های خونین غرب کشور نیز از مسائل دیگری است که نظام جدید با آن روبه‌رو بود. در عرصه خارجی نیز سیر روابط ایران با آمریکا و بحران گروگان‌ها روزهای تعیین کننده‌ای را می‌گذراند. در این میان، عراق در فضای ناشی از درگیری‌های ایران و آمریکا در پی تحقق مطامع خویش برآمد. درگیری‌هایی که در غرب کشور، جبهه دیگری را جلوی نیروهای مسلح ایران گشوده بود نوعی ایجاد سهولت در حرکت برای عراق محسوب می‌شد و عامل مساعدی برای زمینه‌سازی تجاوز آن به شمار می‌رفت.

با وجود حساسیت شدید اوضاع کشور، مرکزیت سیاسی و به تبع آن فرماندهی نظامی ایران در نوعی بحران و عدم ثبات به سر می‌برد و تحت تاثیر برخوردهای تضعیف کننده ناشی از جناح بندی مرسوم به لیبرال و خط امام قرار داشت. این وضع وقتی وخیم تر شد که در صف بندی کل عرصه سیاسی کشور، برخی گروه‌ها با طرح دعاوی انقلابی، مانده از مبارزه با رژیم گذشته، به شدت فعال بودند و هر جا که لازم می‌شد، با اتکا به سلاح، نقش چریکی و شبه نظامی خود را نشان می‌دادند و حاضر به پذیرش حاکمیت جدید نبودند. این وضعیت در مجموع فضایی را ایجاد کرد که از دیدگاه رژیم عراق تسهیل کننده تحركات آن برای زمینه‌سازی تجاوز ارتش این کشور به ایران به شمار می‌رفت. مهم ترین وقایع سیاسی - نظامی مربوط به این دوره زمانی عبارت بودند از:

قطع روابط سیاسی ایران - آمریکا

بهار ۱۳۵۹ در حالی شروع گردید که درگیری سیاسی ایران و آمریکا هر روز تشدید می‌شد و محور اصلی آن نیز مسئله گروگان‌های آمریکایی بود. دولت آمریکا تلاش داشت در سطح علنی با افزایش فشارهای سیاسی و اقتصادی خود و متحدانش این مسئله را به نفع خود پایان دهد [در سطح سری، آمریکا همچنان پیگیر جدی اقدام نظامی بود]؛ در این میان، موضوع شاه سابق ایران نیز وجود داشت که در پاناما به سر می‌برد و با پیگیری‌های حقوقی دولت ایران برای استردادش مواجه شده بود، هر چند کارتر تمایلی به ورود شاه به آمریکا نداشت، اما برای جلوگیری از استرداد او به ایران تمامی توان خود را به کار گرفته بود. با تدابیر آمریکا و هماهنگی مصر، شاه در اقدامی غیر منتظره (همزمان با ورود نمایندگان ایران به پاناما) مجدداً راهی مصر شد تا عملاً حقوقدانان اعزامی ایران راهی برای پیگیری پرونده وی نداشته باشند [۳ / ۱ / ۱۳۵۹] این اقدام آمریکا جو ضد شاه - ضد آمریکا را در ایران به شدت دامن زد.

در شب ۹ / ۱ / ۱۳۵۹ اعلام خبر ارسال پیام کارتر (از طریق سفارت سوئیس در ایران) برای امام خمینی از طریق سیمای جمهوری اسلامی - به دستور شخص امام - به مثابه یک بمب خبری در مباحث موجود پیرامون آن بود.

در این پیام نسبتاً مفصل، کارتر ضمن هم نوایی با امام خمینی (ره) و رئیس جمهور ایران درباره صلح جهانی و حاکمیت ملل و موافقت با تشکیل کمیسیون تحقیق برای

[صفحه ۹۳]

حل بحران موجود بین دو کشور توضیحاتی را نیز درباره بیماری شاه و سفر او به پاناما و مصر ارائه کرده بود. کارتر نامه خود را چنین به پایان برده بود: «اجازه می‌خواهم جسارتاً اعلام دارم که به نظر من زمان و دشمنان واقعی نظام‌های سیاسی ما به زیان ما مشغولند. با تقدیم بهترین احترامات. جیمی کارتر ۲۶ / مارس ۱۹۸۰».

در واکنش به افشای این پیام، دولت امریکا ابتدا ارسال هرگونه پیامی به هر مقام ایرانی را تکذیب کرد، اما بعد به ارسال پیام برای بنی‌صدر رئیس‌جمهور اعتراف کرد.

در روز ۱۲ فروردین ۱۳۵۹ و در مراسم روز جمهوری اسلامی پس از قرائت پیام امام که در آن آمده بوده «آقای کارتر باید بدانند... راه‌حل لانه جاسوسی را از من که یک نفر از ملت ایران هستم خواستن، به بیراهه رفتن است. حل این مسئله به دست هیچ کس جز ملت شریف ایران و مجلس شورای اسلامی منبعت از آرای ملت نیست.» بنی‌صدر در سخنرانی خود اعلام کرد: «شورای انقلاب تصمیم گرفت که اگر امریکا طبق بیان رسمی اعلام کند که تا تشکیل مجلس و اتخاذ تصمیم از سوی مجلس درباره گروگان‌ها نه تبلیغی، نه ادعا و نه تحریکی کند، شورای انقلاب می‌پذیرد که گروگان‌ها را تحت نظارت خود در آورد.» اما کارتر حاضر به دادن این تضمین نشد و فقط در پیامی به بنی‌صدر قول داد که تا زمانی که پارلمان آینده ایران درباره سرنوشت نهایی گروگان‌ها تصمیم بگیرد در امور داخلی آن دخالت نخواهد کرد.

با وجود عدم تضمین دولت امریکا، اقداماتی برای انتقال گروگان‌ها از دانشجویان به شورای انقلاب انجام شد و حتی حجت الاسلام هاشمی رفسنجانی و مهندس عزت‌الله سحابی (نمایندگان دائمی شورای انقلاب در این موضوع) برای مذاکره با دانشجویان به لانه جاسوسی رفتند؛ اما در عمل به دلیل نپذیرفتن رسمی شرط ایران از سوی دولت امریکا، این مباحث به نتیجه‌ای نرسید.

در شب ۱۷ فروردین ۱۳۵۹ (۶ آوریل ۱۹۸۰) حسن حبیبی، سخنگوی شورای انقلاب، در پایان جلسه این شورا اعلام کرد: «بر اساس تصمیم و نظر امام، تصمیم نهایی اعلام خواهد شد... و فردا در ملاقات با امام این مطالب با ایشان در میان گذاشته خواهد شد.» به دنبال این امر، در امریکا اعلام شد که در مقابله با شکست تلاش‌ها درباره انتقال گروگان‌های امریکایی به دولت ایران ممکن است ظرف ۲۴ ساعت دولت امریکا تصمیم به اعمال یک سری مجازات‌های اقتصادی جدید بر ضد ایران بگیرد، مگر اینکه نشانه‌های بهبود شرایط در ایران به وجود بیاید.

به این ترتیب همه چیز به روز ۱۸ / ۱ / ۱۳۵۹ (۷ آوریل ۱۹۸۰) موکول شد. کارتر حاضر نشد تعهدی را رسماً اعلام کند. واضح است که انتقال گروگان‌ها به دولت ایران بدون تعهد رسمی کارتر به عدم اقدام علیه نظام جمهوری اسلامی، باعث می‌شد که وضع گروگان‌ها از گرفتار بودن در یک وضعیت انقلابی تغییر کند و به اسیران یک دولت یاغی علیه حقوق بین‌الملل تبدیل شوند. از طرفی در داخل کشور نیز تقریباً تمامی جریان‌های سیاسی سرسختانه طالب مبارزه جدی‌تر با امریکا بودند و هرگونه حرکت ملایم، به معنای سازش و تسلیم انقلاب به دشمن شماره یک خود تلقی می‌شد. در شورای انقلاب به

[صفحه ۹۴]

ریاست بنی‌صدر کشش لازم برای حل قطعی این مسئله بغرنج وجود نداشت؛ بنابراین بار دیگر مسئولان نظام بار زمین مانده مشکلات را بر دوش امام (ره) قرار دادند.

در ظهر این روز پس از جلسه رئیس‌جمهور و چند تن از اعضای شورای انقلاب در حضور امام، دفتر امام اطلاعیه زیر را منتشر

کرد: «گروگان‌ها و سفارت تا تشکیل مجلس شورای اسلامی و تعیین سرنوشت آنان به دست و کلاهی محترم ملت، در دست دانشجویان مسلمان و مبارز باقی می‌مانند.»

چند ساعت بعد، صبح روز ۷ آوریل به وقت امریکا، در کاخ سفید جلسه شورای عالی امنیت ملی به ریاست کارتر تشکیل شد و علی رغم مخالفت ونس، وزیر خارجه، تصمیم رسمی قطع روابط به تصویب رسید.

شب هنگام به وقت امریکا کارتر در تلویزیون ظاهر شد. دانشجویان مسلمان پیرو خط امام را تروریست خواند و مجازات‌های جدیدی را علیه ایران اعلام کرد که عبارت بود از: قطع رابطه دیپلماتیک با ایران، اعمال مجازات‌های اقتصادی حتی در زمینه دارو و مواد غذایی، فراهم آوردن امکان شکایت مالی برای استفاده از دارایی‌های مسدود شده ایران و لغو رویداد جدید و عدم تمدید رواید قبلی. وزارت خارجه امریکا نیز رسماً به دیپلمات‌ها و کارمندان ایرانی سفارت ایران، ۳۶ ساعت مهلت داد تا خاک امریکا را ترک کنند.

امام خمینی (ره) به این امر طی پیامی چنین واکنش نشان داد: «ما این قطع رابطه را به فال نیک می‌گیریم چون که این قطع رابطه برای قطع امید امریکا از ایران است ملت رزمنده ایران این طلیعه پیروزی نهایی را که ابرقدرت سفاکی را وادار به قطع رابطه یعنی خاتمه دادن به چپاولگری کرده است، اگر جشن بگیرد حق دارد.»

گروه‌های سیاسی و شخصیت‌های مختلف با ایدئولوژی‌ها و خط مشی‌های مختلف نیز یک روز پس از اعلام قطع رابطه به اظهار نظر پرداخته آن را یک پیروزی برای ملت ایران قلمداد کردند. گروه‌هایی نظیر: حزب جمهوری اسلامی، سازمان مجاهدین انقلاب اسلامی، نهضت آزادی، جنبش مسلمانان مبارز به رهبری دکتر پیمان، حزب ملت ایران به رهبری داریوش فروهر، سازمان مجاهدین خلق، سازمان چریک‌های فدایی خلق، حزب توده و... در نهایت با انتخاب سوئیس و الجزایر به ترتیب به عنوان حافظ منافع امریکا و ایران در پایتخت کشور ایران و امریکا، دو کشور در دوره جدیدی از مناسبات دیپلماتیک قرار گرفتند.

شکست اقدام نظامی امریکا در طیس (عملیات نجات گروگان‌ها)

در حالی که امریکا در سطح علنی در جبهه‌های سیاسی و اقتصادی به شدت علیه ایران فعال بود؛ در سطح سری، اقدام نظامی را تدارک می‌دید. در روز ۲ / ۱ / ۱۳۵۹ (۲۲ مارس ۱۹۸۰) جلسه‌ای مهم و طولانی با شرکت کلیه مقامات عالی سیاسی، نظامی و امنیتی امریکا تشکیل شد. در این جلسه علی‌رغم مخالفت سایروس ونس با هر گونه اقدام نظامی گزارش کاملی از طرح نجات ارائه و نهایتاً قرار شد یک تیم شناسایی برای اصلاح و تکمیل آن راهی ایران شود.

[صفحه ۹۵]

در روز ۲ فروردین (۱۱ آوریل) - مقارن با برپایی یک راهپیمایی وسیع و سراسری در سرزنش و محکومیت امریکا و دولت عراق در ایران - اجلاس شورای امنیت ملی امریکا برگزار شد. زیگنوبرژینسکی، مشاور امنیت ملی کارتر در این باره در خاطراتش می‌نویسد:

«یک روز قبل از آن... به رئیس جمهور توصیه کردیم تا جلسه بسیار مهم شورای امنیت ملی را با شرکت بعضی از مشاوران عمده‌اش در امور داخلی تشکیل بدهد و در پایان برای فریب دادن اذهان به آن‌ها بگوید که با طرح ماموریت نجات گروگان‌ها مخالفت کرده است. سپس ما باید یک جلسه مجزای کوچک‌تر با شرکت افرادی که می‌بایست از جریان مطلع باشند تشکیل داده و در آن جلسه تصمیم واقعی را برای به اجرا درآوردن طرح ماموریت نجات اتخاذ کنیم.»

پس از تشکیل جلسه، همه حاضران به طرح، رأی موافق دادند؛ به جز کریستوفر معاون وزیر خارجه که به جای ونس در جلسه شرکت کرده بود.

در این مدت تا شروع عملیات، مقامات امریکایی در سخنان خود نوعی فریب و غافلگیری را مد نظر داشتند و با مطرح کردن زمان‌بندی‌های مختلف و دوردست و با انتشار خبرهایی درباره محاصره دریایی، مین‌گذاری سواحل ایران و دیگر اقدامات نظامی ذهن مسئولان و تصمیم‌گیرندگان ایران را از حرکت اصلی نظامی امریکا دور می‌کردند. به خصوص که امریکاییان اعلام کرده بودند که تدارک نظامی خود را در صورتی آغاز می‌کنند که متحدان آنان به تحریم‌های اعلام شده از سوی امریکا ملحق نشوند. در ۱۷ آوریل (۲۸ فروردین) امریکا مجازات‌های جدیدی را علیه ایران اعلام کرد و از احتمال بستن تنگه هرمز خبر داد. ۲۲ آوریل (۲ اردیبهشت) بازار مشترک اروپا اعلام می‌کند که تا ۱۷ مه (۲۷ اردیبهشت) فرصت می‌دهد که گروگان‌ها را آزاد کند در غیر این صورت به اعمال مجازات‌های مصوب اقدام خواهد کرد. این در حالی بود که تعداد دیگری از متحدین امریکا اعمال مجازات‌ها بر ضد ایران را منوط به تصمیم بازار مشترک اروپا کرده بودند.

در مجموع آنچه درباره حمله نظامی و حواشی آن انعکاس یافت فضایی ایجاد کرد که خود به خود ایرانیان را به احتمال وقوع حمله نظامی و در عین حال نزدیک نبودن وقوع آن، عادت می‌داد و حساسیت را از آنان می‌گرفت؛ به خصوص در اواخر اردیبهشت، بحران‌های داخلی مربوط به دانشگاه‌ها و کردستان عمده حساسیت‌ها را متوجه خود کرده بود و جای چندانی برای تمرکز در موضوع احتمالی حمله نظامی امریکا باقی نگذاشته بود.

صبح روز ۲۴ آوریل به وقت امریکا (نیمه شب ۵ اردیبهشت به وقت تهران) عملیات نجات آغاز شد. برژینسکی از این روز به عنوان طولانی‌ترین روز چهار سال خدمتش در کاخ سفید یاد می‌کند.

طبق طرح تمرین شده قبلی قرار بود ۸ هلی‌کوپتر با ۳ فروند هواپیمای C-۱۳۰ برای سوختگیری و انتقال تیم حمله در وسط بیابان ایران (صحرای طبس) وارد ایران شوند و سپس هلی‌کوپترها به محلی نزدیک تهران رفته و در آنجا تیم برای یک روز توقف کرده سپس با وسایل نقلیه‌ای که قبلاً توسط عوامل امریکا در ایران تهیه شده بود به محل سفارت بروند. یک تیم جداگانه نیز برای آزادی سه امریکایی مستقر در وزارت خارجه اعزام می‌شد. پس از آزادی گروگان‌ها، به یک استادیوم در همان نزدیکی (شهید شیرودی) رفته به وسیله هلی‌کوپترها به فرودگاهی در نزدیکی تهران - که قبلاً با فرود ناگهانی هواپیمای C-۱۳۰ اشغال شده بود - منتقل و به وسیله هواپیماها منطقه را ترک کنند. به گفته برژینسکی در اجرای این مأموریت، کشورهای دیگری به خصوص در منطقه خاورمیانه دخیل بودند.

اما با خراب شدن ۳ هلی‌کوپتر از ۸ هلی‌کوپتر شرکت‌کننده در عملیات (۲ هلی‌کوپتر در راه طبس و یک هلی‌کوپتر در فرودگاه طبس بر اثر طوفان شن از رده خارج شدند) و رسیدن تعداد هلی‌کوپترها به کمتر از ۶

[صفحه ۹۶]

فروند که به عنوان حداقل پیش‌بینی شده بود، دستور لغو عملیات صادر می‌شود. اما ماجرا به همین جا ختم نمی‌شود چرا که بر اثر برخورد یکی از هلی‌کوپترها با هواپیمای C-۱۳۰ در هنگام سوختگیری و آتش گرفتن هر دو، ۸ نفر کشته می‌شوند و کماندوها مجبور می‌شوند با به جا گذاشتن جنازه‌ها و هلی‌کوپترهای باقی مانده، ایران را سریعاً ترک کنند.

در هر حال در این ماجرا ابهامات زیادی وجود داشت که با وجود گذشت زمان هیچگاه جوانب مختلف آن به درستی روشن نشدند، که برخی از این ابهامات به شرح ذیل است:

- دست داشتن عوامل ایرانی در این عملیات و نقش آنان؛

- بمباران هلی‌کوپترهای امریکایی در طبس به دستور بنی‌صدر، که به شهادت محمد منتظر قائم فرمانده سپاه یزد و از بین رفتن مدارک درون هلی‌کوپترها منجر شد؛

- شواهد موجود نشان می‌داد این عملیات فقط محدود به آزادی گروگان‌ها نبود، روشن نبودن دامنه این عملیات که اگر در طبس متوقف نشده بود و به تهران می‌کشید تا به کجا و چه افرادی تسری می‌یافت و... بازتاب این اقدام در امریکا، اعلام استعفای سایروس ونس وزیر خارجه به علت مخالفت با این عملیات بود که یک هفته قبل انجام گرفته بود. خانواده‌های گروگان‌های امریکایی نیز با احمقانه خواندن این عملیات، خواستار جلوگیری از تکرار آن شدند.

در ایران به فرمان امام (ره)، رئیس جمهور مأمور تشکیل دادگاه جهانی رسیدگی به جنایات امریکا شد. که در خرداد ماه برگزار گردید. و نیز انتقال گروگان‌ها از لانه جاسوسی به شهرهای مختلف توسط دانشجویان پیرو خط امام متعاقب آن صورت گرفت.

تشدید تیرگی روابط ایران و عراق

اظهارات بنی‌صدر، رئیس جمهور و فرمانده کل قوا، در اولین روز سال نو ۱۳۵۹ در مراسم نماز جمعه - در بهشت زهرا - می‌تواند تصویر روشنی از وخامت روابط ایران و عراق را ترسیم کند. وی به عنوان سخنران پیش از خطبه‌ها گفت: «سفیر عراق یک بار پیش من آمد. به او گفتم به رئیس خودت بگو که اگر فکر کنی تیر و تفنگ دشمن ما را ناراحت می‌کند، ابد، چون این‌ها برای ما مثل نقل و نبات می‌باشد و هیچ ناراحت نیستیم. ما در مورد این که شما دستتان را از وطن ما کوتاه نکنید مذاکره نمی‌کنیم.» این نوع سخنان در واقع بازگو کننده افکار عمومی و مواضع تمامی مسئولان ایرانی در قبال اقدامات عراق بود. اقدامات و رفتاری که از قبل وجود داشت و در دوره زمانی بهار ۵۹ نیز همچنان ادامه یافت، اقداماتی نظیر؛ عملیات‌های ایذایی و محدود و حمله به پاسگاه‌ها و مراکز چگون مجتمع نفتی بالاتاق در مناطق غرب کشور. اقدامات مسلحانه مهاجمان محلی وابسته به حکومت عراق و ایجاد رعب و وحشت در مناطق مرزی، اجرای آتش توپخانه، مین‌گذاری در جاده‌ها، بمب‌گذاری در اماکن عمومی و کشتار غیر نظامیان، انفجار و انهدام خطوط لوله انتقال نفت، تجهیز و ساماندهی عناصر فراری وابسته به رژیم گذشته در قالب‌های مختلف و... بخشی از تحرکات ضد ایرانی حکومت بعثی عراق بود.

[صفحه ۹۷]

این تحرکات ایذایی عراق به جایی رسید که در اواسط خرداد ماه، درگیری شدیدی بین نیروهای نظامی عراق و نیروهای مرزی ایران روی داد. رادیو لندن در خرداد ماه در این باره چنین گفت: «به نظر می‌رسد که جنگ لفظی میان ایران و عراق به شدیدترین نبرد مرزی میان دو کشور منجر شده است... به طور کلی حدود یک ماه است که زد و خورد‌های پراکنده میان نیروهای ایران و عراق جریان دارد.»

مسئله سه جزیره دستاویزی برای عراق بود که به وسیله آن حتی در مجامع بین‌المللی - نظیر نامه ۱۷ فروردین سعدون حمادی وزیر خارجه عراق به کورت والد‌هایم - در تبلیغات خود به شدت بر ایران بتازد و ایران را اشغالگر خطاب کند.

عراق در تاریخ ۲۷ / ۱ / ۱۳۵۹ به صورت رسمی برای حل مسائل خود با ایران چنین شرایطی تعیین کرد:

۱. خروج بی قید و شرط از ۳ جزیره؛

۲. بازگرداندن وضع اروندرود به وضعیت قبل از قرارداد ۱۹۷۵ الجزایر؛ و

۳. به رسمیت شناخت عرب بودن مردم عربستان (خوزستان).

مستولان عراقی و شخص صدام، رئیس جمهور این کشور در موارد متعدد به تهدید ایران می‌پرداختند و اعلام می‌کردند در صورتی که بر خوردهای نظامی ایجاب کند ارتش عراق آماده است وظیفه ملی خود را در جنگ بر ضد ایران انجام دهد و یا در جای دیگری عنوان می‌شد: عراق از درگیری در یک جنگ چند جانبه دریغ نخواهد کرد و بدین سان از شرافت ملت عرب و عراق، دفاع خواهد نمود.

دستگیری آیت الله صدر و خواهرش بنت الهدی در اواسط فروردین و به شهادت رساندن آنان در زیر شکنجه (که در ۳ اردیبهشت رسماً تأیید شد) گام دیگری بود که بر تیرگی روابط ایران و عراق افزود. از جنبه‌های دیگر عراق با اخراج وسیع ایرانیان مقیم عراق و عراقیان ایرانی الاصل - ک که به صورت ظالمانه‌ای صورت می‌گرفت، به طوری که تعدادی از این رانده‌شدگان، به غیر از لباس تن خود چیز دیگری به همراه نداشتند - بر شدت تیره‌گی روابط خود با ایران شدت بخشید.

در ۱۵ / ۳ / ۱۳۵۹ رادیو اسرائیل گزارش داد: «جنگ مرزی بین ایران و عراق، امروز گسترش تازه‌ای یافت و نیروهای مسلح عراق تا قصر شیرین پیشروی نمودند. جنگ امروز بسیار پرحادثه بود و نیروهای دو طرف از سلاح‌های سنگین علیه یکدیگر استفاده می‌کردند.»

روزنامه کیهان در ۱۷ خرداد نوشت: «درگیری‌های شدید در منطقه قصر شیرین پس از سه روز آرام گرفت و از بعد از ظهر دیروز (۱۶ / ۳ / ۱۳۵۹) تا صبح امروز (۱۷ / ۳ / ۱۳۵۹) صدای توپخانه دشمن قطع شد.» عراق نه تنها از مشکلات داخلی ایران نظیر مسائل کردستان و حمایت از تجزیه طلبی در خوزستان، در تبلیغات خود استفاده می‌کرد. بلکه وانمود می‌کرد ایران نه در برابر امریکا و اسرائیل که در کنار این دو قرار داد و آن‌ها قصد نابودی اعراب را دارند.

در مجموع می‌توان گفت در حالی که در عراق مجموعه‌ای منسجم از اقدامات برای احراز آمادگی همه جانبه سیاسی، نظامی، اقتصادی، اجتماعی و روانی علیه ایران، روز به روز سرعت و شتاب و وضوح بیشتری می‌گرفت؛ در ایران شدت منازعات سیاسی گروه‌های داخلی و نیز درگیری جناح‌های حکومتی که خود را در قالب موضوعات مختلف نشان می‌داد فرصت و امکاناتی برای احراز آمادگی متقابل باقی نگذاشت.

وقایع دیگر

اتفاقات مختلفی در سه ماهه نخست سال ۱۳۵۹ بروز کرد که در آشفته کردن فضای داخلی و در روابط خارجی ایران بی‌تأثیر نبود. در زیر به علت محدودیت حجم مطالب فصلنامه، به ذکر عناوین این وقایع می‌پردازیم:

۱) بحران قومی کردی: وقایع و حوادث مناطق کردنشین کشور که دو روز پس از پیروزی انقلاب آغاز شد، با سوء استفاده شدید گروه‌های مسلح معارض و محارب قوم گرا، از مداخلات حکومت و کوشش آشکار آنان برای سلب حاکمیت دولت در منطقه در مسیری قرار گرفت که تنها راه‌حل مسائل کردستان را راه‌حل مسلحانه قرار داد. در این میان مواضع بنی‌صدر به عنوان رئیس جمهور و فرمانده کل قوا یکی از عوامل مهم شروع دوره جدیدی است که حرکت نظام، بر پاسخگویی مناسب و قاطعانه به تحرکات مسلحانه و خشونت‌بار گروه‌های مسلح، مبتنی می‌گردد. وی که در درگیری با جناح خط امام نیاز شدیدی به حفظ و توسعه مشروعیت جریان خویش داشت در مناسبت‌های مختلف مسئله کردستان را مطرح می‌کرد و قاطعانه و با صراحت از تسلیم نشدن نظام بر گروه‌های مسلح

سخن می‌گفت. در این شرایط، ماجرای حمله به ستون نظامی ارتش در اواخر فروردین ماه که پس از ممانعت گروه‌های مسلح از ورود ستون به سنندج و حرکت به سمت مرز پس از سه روز مسیر خود را به سمت جاده کمربندی عوض کرده بود جنگی آغاز شد که بر خلاف تصور گروه‌های مسلح به تثبیت حاکمیت و قدرت نظام جدید انجامید و مناطق مختلف یکی پس از دیگری از حاکمیت آنان خارج شد.

۲) اشغال سفارت ایران در لندن: قبل از ظهر روز چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ۱۳۵۹ چند مرد مسلح پس از خلع سلاح نگهبان انگلیسی سفارت ایران در لندن، بیست تن از کارکنان سفارت را به گروگان گرفتند. این گروه با تماس با خبرگزاری‌های مختلف خود را از اعراب «عربستان» [خوزستان] معرفی کرده خواستار آزادی ۹۱ نفر زندانی عرب زبان در خوزستان در مقابل آزادی گروگان‌ها شدند. یک روز پس از این اقدام خبرگزاری دولتی عراق بیانیه‌ای را منتشر کرد که به گفته این خبرگزاری از سوی «اسکادران‌های انقلاب عربی در عربستان» صادر شده و اشغال سفارت ایران در لندن را از جمله عملیات‌هایی دانسته بود که بر اساس حق قانونی خود برای پایان اشغال عربستان [خوزستان] به وسیله ایران صورت گرفته است. نکته قابل توجه این ماجرا اعلام این مطلب بود که اگر گروگان‌های آمریکایی در تهران آزاد شوند، گروگان‌های سفارت ایران نیز آزاد خواهند شد. نهایتاً کار به جایی رسید که پلیس لندن در تاریخ ۱۵ اردیبهشت پس از کشته شدن یکی از گروگان‌ها به دست مهاجمان طی عملیاتی با حمله به سفارت و قتل سه تن از مهاجمان گروگان‌ها را آزاد نمود.

۳) انقلاب فرهنگی: به دنبال برهم خوردن سخنرانی هاشمی رفسنجانی در تالار اجتماعات دانشکده پزشکی دانشگاه تبریز به دلیل اخلاف گروه‌های مارکسیستی در ۲۶ فروردین ماه ۱۳۵۹ اعضای سازمان دانشجویان مسلمان و انجمن اسلامی کارگران و کارمندان دانشگاه با اشغال ساختمان مرکزی دانشگاه و تحصن در آن خواستار پاکسازی مرکزی دانشگاه از ستادهای گروه‌های سیاسی عمدتاً مسلح شدند. به دنبال درگیری‌های شدیدی که در دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی سراسر کشور بین موافقان (اعضای انجمن‌های اسلامی و مردم عادی) و مخالفان (گروه‌های مارکسیستی و مجاهدین خلق) برچیده شدن دفاتر گروه‌های سیاسی در دانشگاه‌ها رخ داد؛ شورای انقلاب در ۲۹ فروردین طی اطلاعیه‌ای به کلیه گروه‌های سیاسی ۳ روز مهلت داد که ستادهای خود را در دانشگاه‌ها تخلیه کنند. این ماجرا و حواشی آن با عقب‌نشینی آخرین گروه‌های مقاوم در دانشگاه تهران در دوم اردیبهشت ماه پایان یافت. در تاریخ ۲۳ خرداد ماه نیز به فرمان امام «ستاد انقلاب فرهنگی» تشکیل شد که موظف بود تا با تشکیل شورایی، برنامه‌ریزی رشته‌های مختلف و خط مشی فرهنگی آیند دانشگاه را انجام دهد.

۴) مرحله دوم انتخابات مجلس افتتاح رسمی مجلس: در تاریخ ۱۹ اردیبهشت ۱۳۵۹ مرحله دوم انتخابات مجلس شورای اسلامی در سراسر کشور بین دارندگان اکثریت نسبی آراء در مرحله اول برگزار شد. این در حالی بود که گروه‌های چپ غیر مذهبی، طرفداران بنی‌صدر و مجاهدین خلق (منافقین) با جوسازی گسترده تلاش داشتند صحت انتخابات مرحله اول را مخدوش کنند. نکته قابل توجه در این ایام اعلام حمایت مهندس بازرگان کاندیدای راه یافته به مجلس در مرحله اول از مسعود رجوی در مطبوعات بود که انتقادات زیادی را متوجه وی کرد. مجلس اول نیز در تاریخ ۷ خرداد ماه در محل ساختمان مجلس سنای سابق به طور رسمی کار خود را آغاز کرد.

۵) جنجال نوار دکتر آیت: در تاریخ ۲۸ خرداد ماه روزنامه انقلاب اسلامی ارگان بنی‌صدر متن نواری را منتشر کرد که در آن دکتر حسن آیت از اعضای حزب جمهوری اسلامی در جمعی خصوصی مطالبی را بر علیه بنی‌صدر رئیس جمهور عنوان کرده بود. این امر دستاویزی برای حمله به حزب جمهوری اسلامی و شخص دکتر بهشتی دبیر کل حزب به طور اخص و حمله به نظام جدید به طور اعم به وسیله مخالفان قرار گرفت که با عنوان دفاع از رئیس جمهوری مطرح می‌شد.

۶) روند نزدیکی بنی صدر و مجاهدین خلق (منافقین): نامه مسعود رجوی به بنی صدر در مورخه ۳ / ۱ / ۱۳۵۹: «پس از سلام؟... با توجه به ضرورت فوق‌العاده ارتباط مستمر با رئیس جمهوری در اوضاع حساس کنونی کشور، می‌خواستم تقاضا کنم که یک رابط سیاسی کاملاً مورد اعتماد که ضمناً بتوان نیابتاً افکار و نظریات خود شما را در مراجعات ما منعکس سازد، و همچنین قادر باشد که مسائل ما را دقیقاً به استحضار برساند، برایمان تعیین نمایید... نیازی به تذکر نیست که اگر مزاحمتی نباشد و مطبوعات نیز مانع نشوند و تبلیغات نکنند، بسیار بسیار مرجح می‌دانم که مستقیماً با خودتان در ارتباط باشیم.»

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیفزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می‌کنند

بنادر البحار-ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می‌دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزیق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی

دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۰۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲-۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور

کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده ولی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱

۵۳-۰۶۰۹ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید

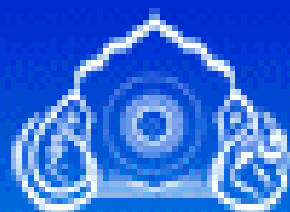
ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رسانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را ببدان، نگاه می دارد و با حجت های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رها کردن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



کتابخانه های تخصصی

انگلیسی

فانگامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹